

نگاهی تحلیلی‌گرا به پیکره نثر فارسی معاصر

دکتر منیقه سلیمانی

(استادیار دانشگاه پیام نور)



۱۳۹۷



سرشناسه	:	نگاهی تحلیلی‌گرا به پیکره نثر فارسی معاصر / مولف صدیقه سلیمانی.
عنوان و نام پدیدآور	:	تهران: عالی نگار، ۱۳۹۷.
مشخصات نشر	:	۲۷۳ ص.
مشخصات ظاهری	:	۹۷۸-۶۲۳-۹۵۴۵۵-۲-۲
شابک	:	فیفا
وضعیت فهرست نویسی	:	کتابنامه.
یادداشت	:	نثر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	:	th century -- History and criticism ۲۰ Persian prose literature --
موضوع	:	سندک ایرانی -- قرن ۱۴
موضوع	:	th century ۲۰ Author Iranian --
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ / ۱۳۹۷ / ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۸۶۰/۹۱۸۴۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۶۰۹۹۰۲
سرشناسه	:	سلیمانی، صدیقه، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نگاهی تحلیلی‌گرا به پیکره نثر فارسی معاصر / مولف صدیقه سلیمانی.
مشخصات نشر	:	تهران: عالی نگار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۳ ص.



سرشناسه

: سلیمانی صدیقه

عنوان و نام پدید آورنده

: گاهی تحلیلگریا به پیکره نثر فارسی معاصر/مولف صدیقه سلیمانی

مشخصات ناشر

: تهران، نگار، ۱۳۹۷

ویراستار

: یوسف علی عباس آباد

مشخصات ظاهری

: ۲۷۳ ص

شابک

: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۵۵-۲-۲



انتشارات عالی نگار

نگاهی تحلیلی به پیکره نثر فارسی معاصر

مؤلف : دکتر صدیقه سلیمانی

(استادیار دانشگاه پیام نور)

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول : ۱۳۹۷

انتشارات عالی نگار

خوشنویس و طراح جلد: وحید و من محمدی

شابک : ۷۸-۶۱۲-۹۵۴۵۵-۲-۲

تهران: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه حافظ، پلاک ۱، واحد ۲

تلفکس: ۸۸۵۳۱۶۷۷

Email: aali_negar@yahoo.com

فهرست

۷	مقدمه
۲۷	فصل اول: نیاز گسترده به نو فارسی
۵۹	فصل دوم: گونه‌های نشر فارسی
۱۱۱	فصل سوم: روزنامه‌نویسی
۱۵۱	فصل چهارم: نویسندگان به‌دسته‌ها
۲۶۵	کتابنامه:

مقدمه

به پا خاستن مردمی برای دفع نظامی زورگو یا تغییر دادن اوضاع و احوالی که بر زندگی و عقاید آنان حاکم است همواره از مسایل کلی و جزئی جامعه منشعب می‌شود. اگر از این دیدگاه اجتماعی نگاه کنیم، وجود خیزش‌ها و انقلاب‌ها و یا عصیان‌های مردمی را در برابر هر عامل و مؤلفه ناهنجار در تمام جوامع به یکسان می‌بینیم. به عبارت دیگر، فشار و ظلم و بی‌خبری در تمام جوامع به طور نسبتاً یکسان، هر ملتی را به عصیان و انقلاب فراخوانده است؛ البته با توجه به مبانی جامعه‌شناسی نوع عصیان و اعتراض مردم با هم مقداری متفاوت بوده است. ایران در دروه‌های ممتد تاریخی با این سه یکم در ملل متمدن جهان به شمار می‌رفته و بسیاری از دانشمندان در شاخه‌های مختلف علم از این آن برخاسته بودند؛ متأسفانه به علل مسایل تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، استبداد و استبدادی، دوره بسیار تلخ اجتماعی را گذرانده است. تلخ بودن این دوران، فقط در اقتصاد خودنمایی نداشته، در تمام جنبه‌های جامعه و در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و جزاینها اثرهای بسیار سونی را دربر داشته. به این سبب بسیاری از روشنفکران ایرانی به علت‌های مختلف و با درک اوضاع و احوال ایران و برای رها کردن مردم ایران از چنین اوضاعی به انقلابی بسیار بنیادی و ساختاری دست زدند و خواستند تا تسلیح مثبت و سازنده آن را در تمام مبانی انسانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... نشان دهند. اسطوره‌ای که در رشته‌های تاریخ و جامعه‌شناسی ایران در قرن اخیر انجام می‌شود، یکی از تلخ‌ترین و نابیناوارترین دوره‌های اجتماعی ایران در این قرن مشاهده می‌شود. دوره‌ای که ایرانیان به سبب مصدومیت دولت‌های خارجی، مخصوصاً روسیه، در بی‌خبری به سر می‌بردند. تعدادی از شاهان قاجار که دست‌نشانده آنان بودند به این بی‌خبری و ظلم و ستم بر مردم ایران دامن می‌زدند و آنان را از حقوق اولیه انسانی خود محروم می‌کردند. کشور ایران با معاهده‌های ننگین در اختیار روسیه قرار می‌گرفت و سیری ناپذیر بودن غارت کشور به دست آن استعمار و بی‌خبر و بی‌سیاست بودن شاهان قاجار، فقط منتظر ظهور افراد روشنفکر و با سیاست و با کیاست ایرانی بود که بتوانند با خیزشی که در افکار عمومی ایجاد کنند به این اوضاع و احوال کشور خاتمه دهند و آن را روزبه‌روز به سمت شکوفایی و درخشش پیش ببرند.

ادبیات هر دوره مثل هر عامل معنوی دیگر، همراه با پیدایش اولیه نطفه‌های تحول در زندگی مادی تجلی می‌کند و پس از آنکه شکل گرفت و جا باز کرد به عنوان نیروی مادی بر زندگی و معیشت گروه‌های اجتماعی اثر می‌گذارد و به ادامه حیات یا رشد آن کمک می‌کند. ادبیات مشروطه ایران هم همین خصوصیت و همین نقش را داشته است. به این معنی که در لحظه‌ای از زمان در جریان پیدایش مناسبات جدید در زندگی مادی و معیشتی مردم نطفه‌بسته و متولدشده و در جریان گسترش بن مناسبات به عنوان نیروی فعال به اهرمی بدل شده که مردم به کمک آن توانسته‌اند در زندگی خودشان تغییراتی به وجود بیاورند. از اواسط قرن نوزدهم به بعد و به‌خصوص در اواخر نیمه ۱۹۰۰م این قرن، بر اثر پیدایش و گسترش عناصر مادی تازه‌ای در مناسبات اجتماعی ایران، گروه‌های تازه‌ای موجود در جامعه از حالت سکون بیرون می‌آیند، قشرهای تازه‌ای شکل می‌گیرند و تمایلات و ترقی‌ت‌های به وجود می‌آیند. این تمایلات و علایق بر اثر بسط روابط بین‌المللی تا حدودی رفته‌رفته و غیر رسمی و غیر متعارف به خودشان می‌گیرند. روزنامه، که پدیده‌ای اروپایی است، منتشر می‌شود، ازارت‌ر-مه ادبیات اروپایی گرم می‌شود و حتی نویسندگان ایرانی به نوشتن آثاری در قالب‌های تازه دست می‌زنند. مانند: رمان، نمایشنامه، مقاله و مانند اینها.

هنرمندان بزرگ همواره پیشروان نوع انسان بوده‌اند. انسان به برکت خلاقیت خویش، روابط و پیوستگی‌های متقابل میان چیزهایی را آشکار می‌نماید که پیش از این پنهان بود. روابط متقابلی که علم و فلسفه مدت‌ها بعد می‌تواند به آنها صورت ذهنی و شخص ببخشد. دوبرلیوف می‌گوید: «چنین نویسندگانی از چنان طبیعتی غنی سرشارند که به هر تمایزی، می‌توانند اندیشه‌های ناب و تصورات تازه را جذب کنند. اندیشه‌ها و تصوراتی که بسیاری از فیلسوفان و دانشمندان معاصر، با همه رهیافت‌های دقیق علمی خویش، تنها گمانی از آنها دارند. آری نویسنده، کان صاحب نبوغ می‌تواند حقایقی را زندگی بخشند و در عمل به جنبش درآورند که فیلسوفان به طور مبهمی از آن آگاهند.» (لوکاج، ۱۳۷۳: ۱۴۱-۱۴۲)

در دوران پیش از انقلاب مشروطه، ادبیات فارسی نیز، هم در نثر و هم در نظم، مانند دیگر مؤلفه‌ها و یا نهادهای اجتماعی، مشمول همان بی‌خبری و تکرار مکررات بود و علاوه بر اینکه نفعی برای حال مردم نداشت به سبب سنگین و متکلفانه‌بودنش از حوزه فهم عموم مردم خارج بود. در

کنار انقلاب و خیزشی که در سیاست، اجتماع و افکار مردم روشنفکر آن برپا خاست و راه را برای انقلاب سترگ مشروطه هموار کرد. ادبیات نیز با کمک عده‌ای از نویسندگان، چه در داخل و چه در خارج از کشور، به تغییرات اساسی دست زد و از نظر ساختاری و زبانی به سمت انقلاب ادبی پیش رفت.

جله‌های انقلاب را در نثر، به مفهومی که بتوان پایه و مایه ادبیات مشور امروز شمرد، باید مخصوصاً بر آثار زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا عبدالرحیم طالبوف، میرزا علی اکبرخان دهخدا و سیدمحمدعلی جمال‌زاده، چهارتن از نویسندگان دوران مشروطیت و پس از مشروطیت به وضوح دید. زین‌العابدین مراغه‌ای از حیث تازگی موضوع و سادگی زبانی که در کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» نشان داد؛ طالبوف از حیث دستیابی به زبان ساده و موضوع‌های تربیتی که نخستین‌بار در ایران مطرح کرد؛ دهخدا به اعتبار نظم شریف و طنز گزنده‌اش که در مقالات «چرند و پرند» با زبانی سرشار از تحرک و درخور فهم و اندیشه مردم به کار گرفت و سیدمحمدعلی جمال‌زاده با انتخاب نوع «داستان» و زبان عامیانه برگزیده که پر از مثل‌ها و اصطلاحات مردمی است، از هر لحاظ در ادبیات معاصر تازگی داشت.

انقلاب مشروطه و بیداری ایرانیان

ایران در عهد صفویه به علت ارتباط‌ها و جنگ‌ها، با دولت عثمانی داشت، کم‌کم با اروپا و تحولات اجتماعی پس از قرون وسطی آشنا شد. اروپا که پس از قرون وسطی با دید تعقلی به گذشته و حال خود می‌نگریست، همه دستاوردهای مادی و معنوی خود را با نگرش انتقادی می‌کاوید. شک و تردید به درستی داشته‌ها و یافته‌ها بر جان اروپا چنگ انداخته بود. همین شک به درستی داشته‌ها و نگاه انتقادی به آن بود که راه اروپا را برای رسیدن به جهان نو هموار می‌کرد. آقامحمدخان قاجار در حالی که سلسله سنتی قاجاریه را در ایران بنا می‌نهاد (۱۱۹۳ ه. ق/ ۱۷۷۹ م. یعنی ده سال پیش از انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ م.) اروپا به سرعت در حال دگرگونی‌های اجتماعی-سیاسی و اقتصادی بود از سال ۱۲۱۴ ه. ق/ ۱۸۰۰ م. به بعد بود و ایرانیان با اروپاییان در مسایل سیاسی و حکومتی درگیر شدند. این درگیری با سیاست‌های ملل اروپا، از نخستین گام‌های ایران برای آشنایی با جهان و زندگی جدید بود. عباس‌میرزا (۱۲۴۸ ه. ق/ ۱۸۳۳ م.) و امیرکبیر که در سال

۱۲۷۶ (ه. ق) دارالفنون را به سبک اروپایی‌ها در تهران افتتاح کرده بود، جزء معدود ایرانیانی بودند که در این دگرگونی‌های اجتماعی نقش پیش‌رو را برعهده داشتند. ایرانیان با تأثیرپذیری از این دگرگونی‌ها و پذیرش بعضی از الگوهای اجتماعی - سیاسی اروپا و مقایسه آنها با الگوهای فرهنگی - اجتماعی جامعه بسته ایران برای تغییرات بنیادی، مصمم‌تر می‌شدند. هرچه دایره ارتباط شرق و غرب وسیع‌تر می‌شد، آشنایی مشرقیان و ایرانیان با مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روز هم افزون‌تر می‌شد. رواج صنعت چاپ، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها، مسافرت ایرانیان به ممالک اروپایی با مدرن‌تری سیاسی - سیاحتی برخی از اروپاییان و مقایسه میان این انحطاط و آن ترقی از جمله مواردی است که بیداری و نوع نگرش ایرانیان به جامعه و مداخله‌نخبگان و شاعران و نویسندگان و مردم در امور اجتماعی تأثیر فراوانی داشت که زمینه شکل‌گیری انقلاب مشروطه را فراهم می‌آورد. در سال ۱۳۰۴ ه. ق) مظفرالدین‌شاه نخستین قانون اساسی مدون پارلمانی را امضا کرد و نام خود را در صدر ایجاد تمام پارلمانی ایران جای داد. پنج‌روز پس از امضای قانون اساسی، از دنیا رفت و حکومت را فرزند مستبد او، محمدعلی‌شاه، در دست گرفت. قانون و آزادی در همان آغاز راه به علت ستیز روس‌ها با مشروطه خواهان به سبب از دست رفتن منافع آنان در ایران با بی‌مهری شاه خودکامه مواجه شد. هرچه سرکوب انقلابیان به دست محمدعلی‌شاه شدیدتر می‌شد، مشروطه‌خواهان برای تغییر حکومت مصمم‌تر می‌شدند تا اینکه در سال ۱۳۲۷ (ه. ق) با فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان، محمدعلی‌شاه قتل‌عام تهران گریخت و فرزند او احمد میرزا به پادشاهی ایران منصوب شد.

پیش از وقوع انقلاب مشروطه و امضای آن به دست احمدشاه، عوامی در ایجاد تغییرات اساسی در نثر فارسی نیز مداخله داشت. پیش از آنکه به انقلاب مشروطیت در ایران، به این موارد اشاره می‌کنیم.

مدرسه دارالفنون

مدرسه دارالفنون از نوآوری‌های امیرکبیر در ایران است. «دارالفنون، از واژه دارالفنون عثمانی گرفته شده که به فرانسوی آن را پلی تکنیک می‌گویند.» (مکی، ۱۳۶۰: ۲۳۹)

محمدتقی امیرکبیر، آکادمی‌ها و مدرسه‌های مختلف روسیه را دیده بود و از بنیادهای فرهنگی دنیای جدید خبر داشت. تأسیس مدرسه‌ای برای تعلیم دانش و فن غربی، مستلزم آوردن استادان خارجی بود؛ به‌علاوه مراقبتی پی‌گیر لازم داشت. در عوض دامنه فعالیت آن گسترده‌تر و تأثیرش در تحول اجتماعی عمیق‌تر بود. امیرکبیر به این کار تصمیم گرفت. قصد وی در درجه اول معطوف به دانش و فن جدید بود و بعد به علوم نظامی توجه داشت. این معنی از مطالعه تطبیقی برنامه‌های درس دارالفنون و نامه‌های امیر راجع به رشته تدریس استادانی که استخدام شدند، روشن می‌شود.

این مدرسه، روز کسنبه، پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۷ (سیزده‌روز پیش از کشته‌شدن میرزاتقی‌خان امیرکبیر) رسماً گشایش داشت. دارالفنون ایرانی، مولود یک‌سلسله حوادث ناگوار و جریان‌های خطرناک سیاسی است که از آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه تا ظهور میرزاتقی‌خان امیرکبیر به منصه بروز رسیده و افکار متوزر و حساس را کاملاً به خود جلب کرده است. امیرکبیر وقتی به صدارت رسید کاملاً به نقص تشکیلات فرهنگی و نبودن مؤسسات علمی و عدم وسایل بسط تمدن در فرهنگ جدید در ایران پی برده بود. چه، برای پیشرفت توده ایرانی دائماً به موانعی برمی‌خورد و در راه اصلاحات کشور با نفوذ متنفذان کهنه‌پرست مصاف و کشاکش و اصلاحات وی تا حدی عقیم می‌ماند و از طرفی نیز کاملاً متوجه شده بود که کشور به‌سبب عدم توجه ایران از حیث علوم و تمدن جدید که در ممالک متمدن اروپا دائماً در ترقی است، بی‌بهره مانده است. در افکار عموم مردم اندک انقلاب و تحولی ایجاد نکند و جوانان ایرانی بهره‌ای از تمدن و علم منقلب ملل غرب برنگیرند، نمی‌توان اندکی روشنائی در افکار ایرانیان ایجاد کرد و کشور را به سوی رفاه سوق داد، سپس هم‌دوش ملل متمدن اروپایی کرد.

«دارالفنون به عنوان بنیاد فرهنگی نو در سه‌جهت اصلی در هیئت جامعه ایران تأثیر بخشید. یک) از نظر تحول عقلانی: گرچه تعلیمات دارالفنون مقدماتی بود، چون در محیط نیمه‌خلاء فکری زمان انعکاس یافت ارزش آن از لحاظ کیفیت به مراتب مهم‌تر از کمیت آن است. با نشر اصول علمی جدید نقص تعلیم پیشینیان تا اندازه‌ای آشکار گردید و دانسته شد که قسمت زیادی از آموخته‌های گذشته، پایه‌اش بر آب است و قسمت دیگر آن ناقص و نارسا.